

تهران؛ یک تصویری آماری

● برنامه ریزیهای توسعه، هنگامی از اعتبار و ارزش لازم برخوردار است که منکی بر اطلاعات و آمار دقیق و کامل باشد. در غیر این صورت این برنامه ها مجموعه ای از الفاظ شعارگونه و ظاهر فریب خواهند بود که راه به جانی نمی برند و باری از دوش کشور بر نمی دارند.

از چنین دیدگاهی، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ و نتایج حاصل از آن برای دست یافتن به حقایق و برنامه ریزی های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

شهر تهران، که دارای اهمیت سیاسی و اداری و ویژه ای است و نسبت چشمگیری از جمعیت کشور در آن زندگی می کنند، با مسائل و معضلات عددهای روبرو است. رها شدن این شهر بزرگ و ساکنان آن از دام مسائل و مشکلاتی که دامنگیر آنها شده، هنگامی امکان پذیر است که به کمک آمار و اطلاعات حاصل از سرشماریها، به تجزیه و تحلیل آن مسائل و مشکلات پردازیم.

آنچه به دنبال این مقدمه می خوانید، کوشش مختصری است به منظور بررسی مسائل شهر تهران با کمک آمار و اطلاعات.

از سال ۱۲۷۰ تا ۱۳۲۵ هجری شمسی حداقل هر ۳۰ سال یکبار و از سال ۱۳۲۵ به بعد حداقل هر ۱۰ سال یکبار، از شهر تهران سرشماری شده است. نگاهی به جمعیت تهران از یک قرن پیش تاکنون نشان میدهد که جمعیت این شهر از سال ۱۲۶۲ تا سال ۱۳۶۵ از حدود یکصد هزار نفر به بیش از ۶ میلیون نفر رسیده و در واقع در این مدت ۶۰ برابر شده است.

به طوری که جدول شماره ۱ نیز نشان می دهد، جمعیت تهران که در حوالی سالهای ۱۳۳۰ کمتر از یک میلیون نفر بوده است در سال ۱۳۳۵ به ۱/۵ میلیون نفر، در سال ۱۳۴۵ به ۲/۷ میلیون نفر، در سال ۱۳۵۵ به ۴/۵ میلیون نفر و در سال ۱۳۶۵ به بیش از ۶ میلیون نفر رسیده است.

نگاهی به میزان افزایش سالیانه جمعیت در این سالها نشان می دهد که هر چند جمعیت تهران همواره رو به افزایش بوده است، ولی میزان رشد جمعیت از سال ۱۳۱۸ به بعد، صرف نظر از نوسانات کوچک همواره کاهش یافته است.

نکته مهم و قابل توجه در این زمینه کاهش شدید میزان رشد جمعیت تهران از سال ۱۳۵۹ به بعد است که حتی به پائین تر از رشد طبیعی جمعیت رسیده است. مفهوم این رقم آنست که هر سال تعدادی از جمعیت شهر تهران از این شهر به سایر نقاط مهاجرت کرده اند و مساله این است که آیا چنین پدیده ای واقعا اتفاق افتاده است؟ ظاهر ارقام چنین می نماید.

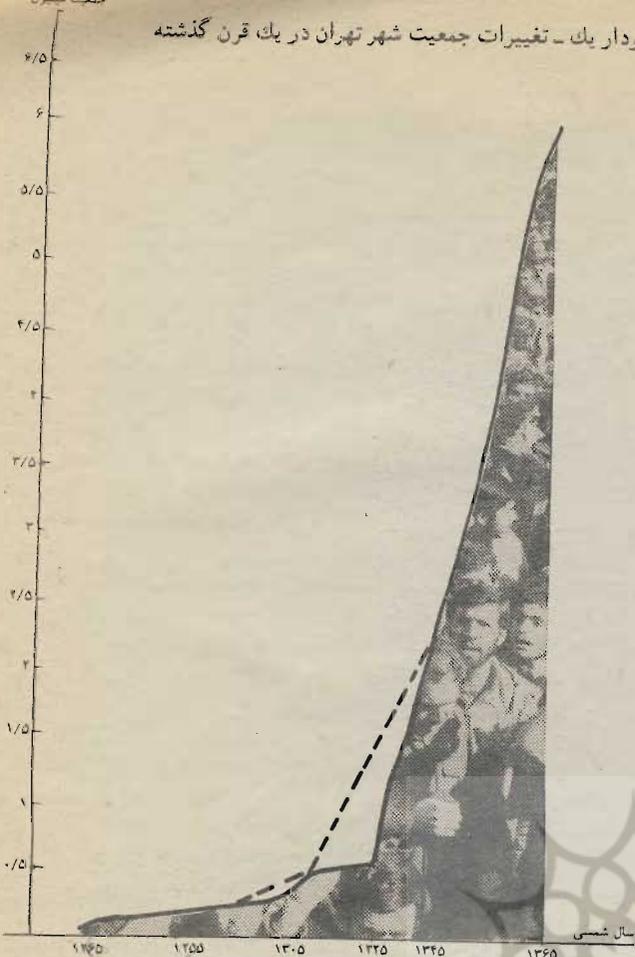
چرا که اگر محدوده شهر تهران از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۶۵ ثابت و معادل محدوده سال ۱۳۶۵ فرض شود و جمعیت داخل این محدوده در مقاطع ۵۵-۴۵، ۱۳۶۵ بازسازی و با یکدیگر مقایسه و از تفاضل جمعیت موجود در هر مقطع با جمعیت حاصل از اعمال رشد طبیعی، تعداد مهاجران برآورد شود نتایج جدول (۲) به دست خواهد آمد.

نمودار دو به خوبی نشان می دهد که میزان مهاجرت در شهر تهران از اواخر دوره زمانی ۱۳۶۵-۵۵ رو به کاهش نهاده است و این کاهش، با آن چنان سرعتی ادامه یافته است که میزان متوسط مهاجرت سالانه در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۵ منفی شده است. ارقام مندرج در جدول شماره ۲، این رقم را معادل ۱/۵۸ درصد به دست می دهد. به بعبارت دیگر چنین می نماید که گویا در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ هر سال ۱/۵۸ درصد از جمعیت شهر تهران از این شهر هجرت کرده اند که در طول ۵ سال به رقمی حدود ۴۹۲۷۳۰ نفر می رسد این برداشتی است که ظاهر ارقام به دست می دهد. ولی واقعا مساله چیست؟ و این جمعیت به کجا رفته است.

مسئله محدودیتهایی که در سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای سکونت در شهر تهران وضع شد (محدودیت مجوز مسکن، دفترچه بسیج و...) می تواند به عنوان یک عامل محدود کننده قوی، حجم مهاجرت به این شهر را کاهش دهد.

ولی واقعیت آنست که این عوامل و سایر عوامل مشابه برد جغرافیایی زیادی نداشته و فقط توانسته اند مهاجرت به داخل محدوده شهر تهران (مناطق بیست گانه شهرداری تهران) را کاهش دهند و در عوض مراکز جمعیتی بزرگی را در اطراف این محدوده ایجاد کنند. در واقع نجات شهر تهران از سیل عظیم مهاجران، به قیمت ایجاد غده های سرطانی زیادی در اطراف آن تحقق یافته است که عملا مشکلات و مسایل اجتماعی - اقتصادی خود را به شهر تهران تحمیل می کنند. جمعیت انبوهی که در شهرها، شهرکها و آبادیهای اطراف

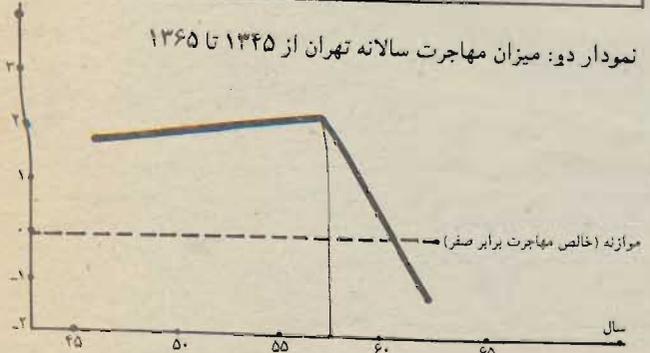
نمودار یک - تغییرات جمعیت شهر تهران در یک قرن گذشته



جدول ۱ - جمعیت و متوسط میزان رشد سالیانه در شهر تهران در قرن گذشته

سال هجری شمسی	جمعیت	متوسط میزان رشد سالیانه
۱۲۶۲	۱۰۶۴۸۲	
۱۲۷۰	۱۶۰۰۰۰	۵/۲
۱۳۰۱	۲۱۰۰۰۰	۰/۹
۱۳۱۱	۳۱۰۱۳۰	۳/۹
۱۳۱۸	۵۴۰۰۸۷	۵/۷
۱۳۲۸	۶۱۸۹۷۶	۱/۲۷
۱۳۳۵	۱۵۱۲۰۸۲	۱۳/۶۱
۱۳۴۵	۲۷۱۹۷۳۰	۶/۰۵
۱۳۵۵	۴۵۴۰۲۳۳	۵/۲۲
۱۳۵۹	۵۴۴۳۲۲۱	۴/۷۰
۱۳۶۵	۶۰۲۲۰۷۹	۱/۷

نمودار دو: میزان مهاجرت سالانه تهران از ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵



تهران زندگی می کنند و با رشد بی رویه ای افزایش می یابند، در واقع کسانی هستند که در مقابله با محدودیتهای فوق و یا به دلایل مشابه دیگر، فقط مسکن خود را به خارج از محدوده، مناطق بیست گانه شهرداری تهران منتقل کرده اند و در عمل از نظر بررسی مسایل جمعیتی باید جزو جمعیت شهر تهران به شمار

جدول ۲- تعداد و درصد مهاجران شهر تهران نسبت به کل جمعیت از ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵

بیان مهاجرت تهران

دوره زمانی	تعداد مهاجران	درصد نسبت به جمعیت شهر در پایان دوره	میزان سالانه درصد
۱۳۵۵-۱۳۴۵	۷۸۴۴۳۷	+۱۷/۲	+۱/۹۱
۱۳۶۰-۱۳۵۵	۵۹۷۳۷۱	+۱۰/۵	+۲/۲۴
۱۳۶۵-۱۳۶۰	۴۹۲۷۳۰	-۸/۲	-۱/۵۸

جدول ۳- جمعیت شهر تهران و اقماران در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

سال	۲۰ منطقه شهرداری	مراکز جمعیتی اقماری	جمع	میزان رشد سالانه درصد
۱۳۵۵	۴۵۴۹۴۸۵	۶۵۲۵۸	۴۶۱۴۷۴۳	۳/۴۶
۱۳۶۵	۶۰۲۲۰۷۹	۴۶۴۵۸۶	۶۶۸۶۶۶۵	

جدول ۴- توزیع نسبی جمعیت شهر تهران و نسبت جنسی بر حسب گروههای عمده سنی و جنسی ۱۳۵۵-۱۳۶۵

نسبت جنسی	مرد و زن		مرد		زن	
	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۷	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
صحیح	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۴-۱۵ ساله	۳۷/۵	۳۶/۵	۳۷/۵	۳۵/۹	۳۷/۷	۳۷/۷
۱۵-۱۶ ساله	۵۹/۲	۵۹/۹	۵۹/۶	۶۱/۱	۵۸/۹	۵۸/۶
۱۶-۱۷ ساله و بیشتر	۳/۳	۳/۳	۲/۹	۳/-	۳/۶	۳/۶

جدول ۵- میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر شهر تهران در برخی گروههای سنی در دو سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

جنس	کلیه سنین		۹ تا ۱۴ ساله		۱۰ تا ۱۴ ساله		۱۵ تا ۱۹ ساله	
	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
مرد و زن	۷۵/۳	۸۱/۹	۹۱/۸	۹۵/۲	۹۷/۳	۹۷/۷	۹۰/۱	۹۴/۷
مرد	۸۱/۷	۸۷/۲	۹۳/۱	۹۵/۳	۹۷/۷	۹۷/۸	۹۲/۲	۹۵/۴
زن	۶۸/۲	۷۶/۴	۹۱/۵	۹۰	۹۷	۹۷/۶	۸۷/۷	۹۳/۹

جدول ۶- نسبت جمعیت در حال تحصیل در برخی از گروههای سنی در شهر تهران در دو سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

جنس	۶ تا ۹ سال		۱۰ تا ۱۴ سال		۱۵ تا ۱۹ سال		کلیه سنین	
	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵
مرد و زن	۹۱/۲	۹۴/۴	۹۳/۳	۹۲/۷	۵۷/۴	۵۰/۳	۳۵/۶	۳۰/۷
مرد	۹۱/۵	۹۴/۴	۹۴/۸	۹۲/۸	۶۲/۴	۵۳/۷	۳۷/۱	۳۷/۵
زن	۹۰/۹	۹۴/۳	۹۱/۶	۹۲/۶	۵۰/۷	۴۶/۹	۳۳/۹	۲۹/۷

جدول ۷- توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر شهر تهران بر حسب سه بخش عمده فعالیت به تفکیک جنس ۱۳۶۵-۱۳۵۵

بخشهای عمده فعالیت	۱۳۵۵		۱۳۶۵	
	مرد	زن	مرد	زن
جمع کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
صنعت	۱	۰/۳	۱	۰/۳
خدمات	۳۳/۴	۶۵/۶	۳۶	۶۳

اینند، چرا که هیچیک از این آبادیها، شهرکها و حتی شهرهایی که جمعیت آنها به سرعت رشد می کند، جاذبه ای جز مجاورت با شهر تهران ندارند. به عبارت دیگر آهنگ سریع افزایش جمعیت در شهرهای کرج، رجایی شهر، قریچک، ورامین و سایر شهرهای منطقه، مستقل از مسایل موجود در شهر تهران نیست. باید پذیرفت که اگر رجایی شهر در نزدیکی تهران واقع نشده بود، جمعیت آن در طول ۱۰ سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ از ۸۳۳۲ نفر به ۱۱۷۹۷۹ نفر نمی رسید. پذیرش این امر در مورد سایر شهرهای منطقه نیز چندان دشوار نیست. علاوه بر این، در اطراف تهران نقاطی هم وجود دارد که طی ده سال گذشته (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵) جمعیت آنها از صفر یا برخی اوقات نزدیک به صفر به بیش از ۵۰ هزار نفر رسیده است. اگر از بین این نقاط فقط آن دسته که رفت و آمد بین آنها و شهر تهران نیاز به مسافرت برون شهری ندارد، در نظر گرفته شود، جمعیتی بالغ بر ۴۶۴۵۸۶ نفر را شامل می شود، این مراکز جمعیتی که تعداد آنها به ۲۳ نقطه می رسد در سال ۱۳۵۵ فقط ۶۵۲۵۸ نفر جمعیت داشته اند.

اگر این نقاط، چه در سال ۱۳۵۵ و چه در سال ۱۳۶۵ بخشی از تهران تلقی شوند، جمعیت شهر تهران در سالهای مزبور به ترتیب به ۴۶۱۴۷۴۳ نفر و ۶۴۸۶۶۶۵ نفر بالغ می شود. و به این ترتیب رشد جمعیت شهر تهران در این مدت به حدود ۳/۵ درصد در سال می رسد. به این ترتیب ملاحظه می شود که شهر تهران در طی سالهای اخیر نه تنها مهاجر فرست نبوده است، بلکه سالانه حدود یک درصد هم مهاجر پذیرفته است.

توزیع سنی - جنسی جمعیت
توزیع نسبی جمعیت شهر تهران در گروههای بزرگ سنی (کمتر از ۱۵ ساله، ۱۵-۶۴ ساله، و ۶۵ ساله بالا) نشان می دهد که از هر ۳۰ نفر، فقط یک نفر به سنین بالای ۶۰ سال رسیده است و در مقابل بیش از یک سوم افراد، کمتر از ۱۵ سال دارند. هر چند این نسبتها بین سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵ در مورد کل جمعیت شهر تغییر محسوسی نداشته است، ولی در مورد مردان مساله به این صورت نیست. نسبت مردان ۱۴۰ ساله از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ از ۲۵/۹ درصد به ۳۷/۵ درصد افزایش یافته و در عوض نسبت مردان ۱۵-۶۴ ساله در همین مدت از ۶۱/۱ درصد به ۵۹/۶ درصد تنزل کرده است. این تغییرات هر چند به ظاهر کوچک می نماید ولی در عمل موجب شده است که در این مدت نسبت جنسی در گروه سنی ۱۴۰ ساله از ۱۰۵/۶ به ۱۰۴/۸ و در گروه سنی ۱۵-۶۴ ساله از ۱۱۵/۶ به ۱۰۶/۲ برسد. (جدول ۴) مفهوم این ارقام آنست که شهر تهران جاذبه هایی را که به عنوان داذار کار داشته و به همین دلیل هر ساله تعدادی از مردان واقع در سن کار را به خود جذب می کرده، از دست داده است و یا حداقل، این جاذبه در طول ده سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ روندی کاهنده داشته است. ولی همانطور که گفته شد تراکم جمعیت در مراکز اقماری تهران از عواملی است که نباید در بررسیهای جمعیتی شهر تهران نادیده انگاشته شود.

بدیهی است با انتشار کامل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ پرداختن به این مساله نیز با دقت بیشتری میسر خواهد شد.

سواد و تحصیلات
از نظر سواد و تحصیلات بررسی وضع جمعیت تهران در دو سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ منعکس کننده واقعیات جالبی است. بطور کلی از نظر میزان سواد طی ده سال فوق جمعیت تهران رو به تحول داشته و میزان مزبور افزایش یافته است. بدین ترتیب که نسبت با سوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر از ۳/۳ درصد به ۸۱/۹ درصد افزایش یافته است. در بین جمعیت مردان، میزان با سوادی در هر دو سرشماری از جمعیت زنان بیشتر بوده است. در بین هر یک از دو جنس نیز میزان سواد در این فاصله افزایش یافته است. نسبت با سوادی در بین مردان از ۸۱/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۷/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته و در میان زنان نیز این درصد از ۶۸/۲ به ۷۶/۴ رسیده است.

میزان با سوادی در برخی از گروه های سنی که انتظار می رود به صد درصد نزدیک باشد هنوز با این رقم، اندک فاصله ای دارد. بدین معنی که مثلا در گروه سنی ۹ تا ۱۴ ساله که انتظار می رود آموزش ابتدایی کلیه افراد را در بر گرفته باشد، معهدا این پوشش هنوز کامل نیست و هر چند با پوشش کامل فاصله چندانی ندارد (۹۵/۲ درصد با سواد بوده اند) ولی انتظار آنست که در پایتخت کشور حداقل افراد ۹۰-۹۶ ساله که کودکان عصر انقلاب اسلامی هستند، تماما در حال آموختن سواد باشند.

افزایش درصد با سوادی در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله در مقایسه با گروه سنی قبلی به این علت است که در سن ۶ سالگی هنوز تعدادی از کودکان راهی مدرسه نشده اند و این تعداد در میزان جمعیت با سواد در گروه سنی مزبور اثر می گذارد.

تفاوتهای مختصر میزان با سوادی در سه گروه سنی مورد بررسی نشان می دهد که آن نسبت از کودکانی که به هر دلیل، در شروع سن مدرسه، تحصیل را آغاز نکرده اند، تا ۱۹ سالگی نیز اکثراً کوششی برای با سواد شدن نداشته اند.

آموزش

جمعیت لازم تعلیم و پوشش آموزشی آنان از مسائل مهم برنامه ریزی ها است.

داده های به دست آمده از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ کشور نشان می دهد که در جمعیت ۶ تا ۹ ساله شهر تهران ۹۴/۴ درصد در حال تحصیل بوده اند. یعنی حتی در پایتخت کشور نیز، هنوز پوشش آموزش ابتدایی صد درصد نرسیده است، هر چند که نسبت به سال ۵۵ از بهبود نسبی برخوردار است و در مقایسه با سرشماری قبلی (۹۱/۲ درصد) نشان دهنده افزایش پوشش آموزش در این گروه سنی است.

به طور کلی پوشش آموزش در مورد مردان بیشتر از زنان است. در سرشماری ۱۳۶۵ پوشش آموزش در گروه سنی ۶-۹ ساله برای مردان و زنان تقریباً برابر است. ولی با افزایش سن تفاوت پوشش آموزش بین مرد و زن، به نفع مردان رو به افزایش می گذارد. در تهران، بجز گروه سنی ۶ تا ۹ ساله، در دو گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۱۵ تا ۱۹ ساله پوشش آموزش در سال ۱۳۵۵ بیش از سال ۱۳۶۵ بوده است. کاهش پوشش آموزش در گروه های سنی فوق و بی بردن به مثل آن خود موضوع قابل مطالعه ای است که با ارائه اطلاعات جزئی تر می توان به آن پرداخت.

گروه های عمده فعالیت

در سرشماری ۱۳۶۵ از ۴۳۷۱۹۷۸ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر شهر تهران ۱۴۵۷۴۲۶ نفر شاغل بوده اند. علاوه بر تعداد فوق، در گروه سنی ۶ تا ۹ ساله نیز ۳۰۸ نفر در شهر تهران به کار اشتغال داشته اند. توزیع جمعیت شاغل در بخش های عمده فعالیت های اقتصادی، نشان می دهد که در شهر تهران شاغلان عمده در بخش خدمات به کار اشتغال دارند به طوری که بیش از دو سوم جمعیت شاغل (۷۱/۹ درصد) به این بخش جذب شده اند. از نظر طبقه بندی فعالیت های اقتصادی، بخش خدمات فعالیت های فروش، هتلداری و رستوران، حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری، خدمات مالی، بیمه ملکی و تجاری و خدمات عمومی - اجتماعی و شخصی را شامل می شود. بر اساس شاخص سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، در شهر تهران کمتر از ۱ درصد شاغلان در بخش کشاورزی (کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری) فعالیت می کرده اند. مقایسه این ارقام با اطلاعات مشابه در سال ۱۳۵۵ حاکی است که در این مدت میل به اشتغال در بخش خدمات بیش از دو بخش دیگر بوده است. این تمایل به ویژه در نزد زنان کاملاً چشمگیر است. طبیعی است افزایش میل به اشتغال در یک بخش، با کاهش میزان شاغلان در بخش های دیگر همراه خواهد بود. در این مورد افزایش اشتغال در بخش خدمات موجب کاهش نسبت اشتغال در بخش صنعت (استخراج معادن، صنعت، ساختمان، آب، برق و گاز) شده است. به طوری که نسبت شاغلان در این بخش از ۳۳/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۷/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

هر چند نسبت اشتغال در بخش کشاورزی در شهر تهران آنقدر ناچیز است که تغییر آن نمی تواند نقش قابل ملاحظه ای در اشتغال این بخش در سطح کل کشور بجای گذارد، ولی در همین حال گفتنی است که حتی این رقم ناچیز نیز بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به نفع بخش خدمات کاهش یافته و از ۱ درصد به ۰/۹ درصد رسیده است.

ناگفته پیداست که تورم شاغلان در بخش خدمات و به ویژه افزایش تمایل به کار در این بخش که به مفهوم سلب جاذبه های اشتغال در بخشهای تولیدی صنعت و کشاورزی از مشخصات یک اقتصاد سالم و پویا نیست. البته شاید در شرایطی که کشور، به سر می برد، جز این انتظاری نتوان داشت، چرا که اغلب کشورهای اروپایی نیز در زمان جنگ وضع کم و بیش مشابهی داشته اند. ولی در ژاپن چنین نبوده است، و علاوه بر این، در بسیاری از کشورهای دیگر نطفه صنعت در خاکسترهای گرم جنگ بسته شده است. ما نیز باید از نیروهای تجهیز شده و از جو فداکاریها و ایثارهای که در سایه جنگ به وجود آمده است حداکثر استفاده را ببریم. صنعت که بناچار باید در خدمت جنگ زندگی سریع داشته باشد، باید بتواند نیازهای پس از جنگ را هم پاسخ دهد. اگر کشاورزی محور برنامه های توسعه و عمران است باید صنعت را به خدمت بگیرد. از این تجربه باید که در همه ابعاد بهره گیری کنیم و در بعد اقتصادی قبل از همه، از هم اکنون باید برنامه اشتغال در بخشهای مختلف فعالیت های اقتصادی طراحی شود و به تبع آن آموزش جهت گیری کند، صنعت در خدمت آن درآید و... تا بتوانیم پاسخ گوی خون شهدایی را که برای اعتلای حق همه چیز خود را فدا کرده اند باشیم. انشاء...